



در سالروزوفات

یک ابرمرد که جایش همیشه خالی خواهد بود

جنت مأوا پروفیسور دکتور سید الف شاه غضنفر

متولد سال ۱۳۰۷ هـ ش

تحصیلات ابتداییه کلنگار لوگر، متوسطه نرسنگ کابل، لیسه عالی حبیبیه

لیسانس در ساینس یونورستی امریکایی بیروت، دیپلوم در طبابت یونورستی امریکایی بیروت

ما فوق دکتورا یونورستی هارورڈ ایالات متحده امریکا

۶۶ سال خدمت لاینقطع در راهای تدریس، تحقیقات علمی، مداوا و معالجه

خدمات عام المنفعه و رفع آلام هموعان

در فرجام

شام نوروز ۱۳۹۲

چشم از جهان پوشید

مردنمیرد به مرگ، مرگ از او نام جست نام چو جاوید شد مردنش آسان کجاست

بدور از مذايقه، جمله کانون های علمی، تحقیقاتی و خدماتی وطن، وبسی از مؤسسات معتبر اکادمیک جهان، از مقام علمی والا، و کارکردهای وزین و بیشماری شادروان پروفیسور دکتور غضنفر نشانی های به حافظه تاریخ سپرده اند و سمبول های افتخار برایش بجا گذاشته اند اما این کمینه منحیث یکی از اعضای خانواده اش دین خود میدانم خاطرات چند دربارہ رویه و تاثیرات وجود شریف و پرفیض وی بر حریم و افراد خانواده اش از جمله بر خودم رارقم بزنم .

وقتی لیسه حبیبیه را تمام کرده و در آستانه سفر تحصیلی اش به بیروت بود من و چند نفر از برادران و برادرزاده هایش با سنین تقریباً ۱۱ و ۱۲، در قریه آبایی ما در لوگر بدور و برش قرار داشتیم. در صنف چهارم در مضمون جغرافیه که برای ما مضمون نوی بود مشکلات داشتیم. ما خواهش کردیم تا بگفته آن زمان ما جغرافیه را برای ما خلص نماید و معنی آبنا و خاکنا، خلیج و جهیل را برای ما بفهماند. جنت مکان در قدم اول از ظرافت های مخصوص

خود کار گرفته گفت: میخواهید خلص نمایم؟ خوب؛ یک سطر بخوانید و یک سطر نخوانید. مایکی بسوی دیگر نگاه کردیم و گفتیم نه اینطوری خلص نگفتیم. گفت: خوب؛ یک صفحه بخوانید و یک صفحه نخوانید. باز گفتیم نه اینطوره. گفت: خوب؛ یک صفحه بخوانید و دو صفحه نخوانید. همه خندیدیم و ما را با خود به کنار دریای لوگر برد. در حالیکه آب باتلاطمی خود از ریگ و سنگچل ها در بستر دریا مثال های زیادی از ان اشکالی مورد معرفی صفحات جغرافیه را تشکیل داده بود. هریک از آن نماها را بطور زنده ب ما معرفی کرد، شرح داد و شناختاند. مسلما که آنچنان ساده سازی در تدریس معرف استادی بینظیر فطری جناب ایشان و حلال سوال های ما گردید. علاوه تا رویه ملایم و مهربانش تأثیر ژرفی در شناخت از روح پراز عطوفت و حوصله مندی بی مانند آن بزرگوار بر هر یک از ما تا حیات داریم گذاشته است.

در یک فرصت دیگر بعد از حصول دپلوم ساینس و طبابتش از بیروت در سال ۱۹۵۹ برای مدت محدودی بوطن سفر کرد در آن زمان من در صنف دوازدهم بودم. باز هم مشکلات درسی ام را پیش کردم. در ریاضی سلسله اعداد لایتناهی مورد بحث بود. بیاد دارم که قبل از پرداختن به جواب سوال معینکه داشتیم به تاریخ علوم ساینس و ریاضی پرداخت و آن اینکه؛ بنیان گذار این علوم در ابتدا ممالک شرق و مخصوصا پایتخت تمدن اسلامی یعنی بغداد بوده است. در آن زمان غربی ها ارقام عددی را به حروف رومی مینوشتند که رویهمرفته سیستمی بس ناگوار و ناسازگاری بود. در مقابل هندیها به همین شکلیکه فعلا در جهان معمول هست مینوشتند با تفاوت اینکه از (۹) با لا ترقمی نداشتند. تا اینکه در قرن هشتم میلادی محمد ابن موسی الخوارزمی از اهل آسیای میانه عدد صفر (۰) را در پهلوی دیگر ارقام پیشنهاد کرد تا بعد از (۹) در کنار عدد (۱) نوشته شده عدد (۱۰) را بسازد. به همین ترتیب ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ تا به (۱۹) برسد. در قدم بعدی عدد صفر (۰) در پهلوی عدد (۲) نوشته میشود تا (۲۰) را بسازد. به همین روال الی اعداد بالا. در حقیقت الخوارزمی بنیان گذار عملیه (نه طرح) شد که باعث به میان آمدن سیستم اعشاری (DECIMALS) یا (هند-عربی) کنونی گردید. طی قرون بعدی سیستم اعداد به اساس ((۲ طرح) نیز مورد استعمال قرار گرفت که صرفا از ترکیب ارقام (۱) و صفر (۰) تشکیل میشود و بنام ارقام باینری (BINARY NUMERALS) یاد میشود. (کامپیوترهای کنونی به اساس همین زبان کار میکنند). علاوه بر الخوارزمی ابوریحان البیرونی اهل افغانستان فعلی در هندسه سه بعدی، علی ابن سینای بلخی و ذکریای رازی در طبابت از جمله تهداب گذاران علوم جدید در بغداد بودند. احساس میکردم که با رایبه این معلومات روشنگرانه و ناب در پهلوی تحلیل روابط بین اعداد ریاضی قصد دارد ذهن وابستگانش را به افتخارات دینی و فرهنگی نیز وصلت بدهد.

فرصت دیگر زمانی بود که بعد از برگشت از یونورستی هارورد در کرسی استادی فاکولته طب و ریاست ریسرچ پوهنتون کابل قرار داشتند. و من هم بعد از فراغت از پوهنحی انجنیری در کدر علمی فاکولته طب بحیث اسیستانت پروفیسر فزیک و کیمیا تقرر حاصل کردم. چون طی چهار سال تحصیل در پوهنحی انجنیری تجارب لابراتواری نسبتا خوبی را فرا گرفته بودم جناب ایشان از وجود من طی دو سال خدمتم در فاکولته طب بر علاوه کمک های داخل صنف درسی در اعمار لابراتوارهای کیمیا عمومی، بیو فزیک، و مرکز تولید محلولات زر قی مؤسسات صحی علی آباد کار گرفتند.

به افتخار میتوانم گفت که تجربه آن دو سال خدمت از بهترین سال های عمر من بوده است. یکی از ویژه گیهای قربت کاری به این شخصیت توانا و سرشار از هر نوع معرفت طبع ظریف و شوخیهای عاری از نیش و تحقیر وی با همکارانش بود که با وصف ساعت ها کار و بی خوابی انسان در جوارش احساس خستگی نمینمود. حتی با سفر نیمه شبی بدرون اطاق تشریح اجساد در همکاری با وی فارغ از ترس و خوف مینمود.

گرچه خاطرات نیکم از نزدیکی با آن شخصیت والا بیشمار است اما به پاس طولانی نشدن این نوشته صرف یک خاطره دیگر را میخواهم علاوه کنم که برای جوانهای امروز میتواند رهنمودی باشد.

در بهار سال ۱۹۷۱ وقتی من برای تحصیلات عالی روانه امریکا شدم دو روز قبل از حرکت جنت مکان برایم گفت؛ بنشین تا دو نصیحتم را برایت بگویم .

اول: وقتی از افغانستان به خارج میروی همه دنیا ترا به نظر نماینده و یا سفیر وطن و مردمت مینگرند. حالا اختیار داری که وطن، خانواده و اقوام ترا چطور میخواهی بدنی معرفی نمایی.

دوم: بعد از اینکه در شروع قرن بیستم تامسن (THOMSON) و ردرفورد (RUTHERFORD) ساختمان اتم را قدری تجربه و همچنان حدس زدند و به تعقیب نیلز بور (NIELS BOHR) و دیگران موقعیت الکترون هارا بدور هسته به اساس قاعده احتمالات (UNCERTAINTY PRINCIPLE) بیان کردند. اینستاین (EINSTEIN) که در آن ایام روی نظریه نسبیتی اش مصروف کار بود. بجای باور به قاعده احتمالات جواب دیگری را برای شناخت از ساختمان تار و پود جهان طبیعت میجست. گفت: [با ورن دارم که (او) این طبیعت را به فورمول شیرو خط خلق کرده باشد. حتما نظم سراسری واحدی در ساخت کاینات وجود دارد]. این کلمات اینستاین در تقابل مطلق با طرز دید طبیعت پرستان (PANTHEISTS) یا مادیون قرارداد است.

مری ژرفنگرو با ایمان من هم برایم خاطر نشان ساخت که: هر چه و در هر جا که میآموزم باید بر تفکر و تعقل عمیق استوار باشد. چون سرتاسر کلام الله مجید مکرر بر آن تاکید میفرماید.

حالا که مدت تقریباً ۳۴ سال است در یکی از یو نورستی های امریکا در رشته انجینیری میکانیک و ساینس تدریس مینمایم و با انکشافات علمی روز همواره سروکار دارم، همه دست آوردهایم رامدیون رهنمایی های این رهگشای آگاه، مسؤل، شکیب و مهربان خود میبایم شم. روحش شاد و یادش گرامی باد.

سید عبدالحمید غضنفر

۱۵ حوت ۱۳۹۲، فلادلفیا